

در قطعات خوشنویسی دو مرقع محفوظ در کتابخانه خزینه اوقاف توپقاپوسرای استانبول، به شماره‌های خ ۲۱۵۳ و خ ۲۱۶۰، مشهور به مرقع سلطان یعقوب، کاغذهای مزین دیده می‌شود که در آن فنون مختلف به‌کار رفته است و از آن میان فن زرافشانی. اما با ملاحظه قطعات زرافشانی شده، آنها از لحاظ طریقه‌افشاندن زر به سه نوع تقسیم می‌شود که هر یک طرز دیگری دارد. در این نوشته، هر یک از این روش‌های سه‌گانه به ترتیب توجیه و با در نظر داشتن خصوصیات آن به‌کاربردش پرداخته می‌شود.

روش‌های سه‌گانه بدین شرح است:

۱. زرافشانی با استفاده از ورقه زر.
  ۲. زرافشانی با استفاده از محلول زر.
  ۳. نوعی دیگر از زرافشانی با استفاده از محلول زر.
- این طبقه‌بندی از شناخت ظاهری است که با دیدن آثار خوشنویسی به‌دست آمده است. اما به‌درستی روشن نیست که در این سه طریقه چه مراحل طی شده و به چه صورتی انجام شده است. در این باره، رساله جلدسازی هست که سید یوسف حسین نامی در سده سیزدهم ق در هندوستان به‌نظم آورده و در آن به‌اختصار فن زرافشانی را توضیح داده است.<sup>۱</sup> با همه کلمات مغلوپ و دشوار فهم این رساله<sup>۲</sup>، از ابیات آن

<sup>۱</sup> سیدیوسف حسین، رساله جلدسازی (صحافی)، به‌اهتمام ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین (تهران، ۱۳۴۸)، ۱۶: ۱-۴۳؛ و نیز: صحافی سنتی، گردآوری ایرج افشار (تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۷)، ص ۱۰۷-۱۴۹؛ براساس همان چاپ با برخی اصلاحات، نجیب مایل‌هروی، کتاب‌آزایی در تمدن اسلامی (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲)، ص ۴۵۹-۴۹۵.

<sup>۲</sup> سید یوسف حسین، فرهنگ ایران زمین، ص ۱؛ مایل‌هروی، همان، ص ۷۶؛ محمدحسین اسلام‌پناه، در مقاله‌ای در نامه‌ی بهارستان، س ۴ (زمستان ۱۳۸۲)، دفتر ۷-۸: ۲۵-۳۴، با عنوان «تحریر رساله منظوم جلدسازی»، شرحی بر این رساله نوشته‌است ولی افسوس که به‌علت ارتباط نداشتن موضوع جلدسازی با زرافشانی به این مقوله نپرداخته است.

## فن زرافشانی در دو مرقع سلطان یعقوب

یادگاری از عصر قراقویونلوها و آق‌قویونلوها

(محفوظ در موزه توپقاپوسرای استانبول، ش ۲۱۵۳، خ ۲۱۶۰)

### یوشیفوسا سه‌کی\*

(توکیو)

چکیده: در قطعات خوشنویسی شده دو مرقع سلطان یعقوب، گردآورده سده نهم ق در ایران، محفوظ در کتابخانه خزینه اوقاف توپقاپوسرای استانبول، کاغذهای تزئینی دیده می‌شود که در آنها فنون مختلف هنری به کار رفته است، از جمله فن زرافشانی که در این مقاله به بررسی آن پرداخته شده است. در قطعات این دو مرقع سه روش زرافشانی قابل تشخیص است: روش زرافشانی با ورقه‌ی زر و دو روش متفاوت زرافشانی با استفاده از محلول زر. مؤلف در شرح این سه روش به اصطلاحات به کار رفته در رساله منظوم جلدسازی اثر سید یوسف حسین و گلستان هنر قاضی احمد قمی و منابع دیگر اشاره می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که می‌توان طریقه اول را افشان‌لینه، طریقه دوم را افشان حل‌کرده و طریقه سوم را افشان غبار دانست. مؤلف همچنین در این مقاله به آهار زدن کاغذ پیش از افشاندن زر، روش افشانگری سنتی ژاپن و افشان زر به وسیله عکاسی نیز اشاره می‌کند.

**کلید واژه:** مرقع سلطان یعقوب؛ کاغذهای تزئینی؛ فن زرافشانی؛ زرافشانی با ورقه زر؛ زرافشانی با استفاده از محلول زر؛ افشان‌لینه؛ افشان حل‌کرده؛ افشان غبار؛ افشان زر؛ آهار زدن کاغذ؛ روش زرافشانی سنتی ژاپن؛ عکاسی؛ قطعات خوشنویسی؛ رساله جلدسازی؛ گلستان هنر؛ کتابخانه توپقاپوسرای استانبول.

\* Yoshifusa Seki، فارغ‌التحصیل موسیقی از دانشکده‌های زیبای دانشگاه تهران؛ مدرس دانشگاه توکیو ژاپن.

برمی آید که در آن زمان در هندوستان دو روش برای افشاندن محلول زر موسوم به «پسته» و دیگری افشاندن ورقه زر به نام «لمیه» معمول بوده<sup>۳</sup> که هیچ یک از این دو اصطلاح در منابع ایران یافت نشده است. در طریقه پسته، محلول زر به وسیله موی دم اسب پاشیده می شده و در روش لمیه ورقه زر به وسیله کرباسی افشانده می شد، که نخ های کشیده و با ایجاد شدن سوراخ هایی مانند تور خرده های ورقه زر به سهولت رد می شد. همچنین در طریقه پسته به امکان صنعت عکاسی نیز اشاره رفته و الگوی عکس به مشبک تشبیه شده است. ایو پورتر طریقه لمیه را «لته» (Late) خوانده<sup>۴</sup> اما چه در چاپ ایرج افشار و چه در تصحیح نجیب مایل هروی این اصطلاح «لمیه» خوانده شده است.

از مطالب این رساله منظوم برمی آید که از نظر اصول فن زرافشانی، روش لمیه با روش معمول زمان ما چندان تفاوتی ندارد. به علاوه گرچه این رساله در سده سیزدهم ق سروده شده است به نظر می رسد که با روش سده نهم ق، زمان ترتیب مرقع سلطان یعقوب اختلاف زیادی ندارد. با این همه، نکاتی چند در جزئیات آن مبهم مانده است که با ملاحظه روش امروزی نیازی به شرح بیشتری دارد. پس هریک از سه طریقه زرافشانی ذیلاً معرفی می شود.

#### ۱. زرافشانی با استفاده از ورقه زر\*

روش افشاندن ورقه زر این است که خرده هایی از ورقه زر را توی پارچه می گذارند و پارچه را بالای کاغذ می گیرند و با ضربه متوالی نوک انگشت به پارچه می افشانند<sup>۵</sup> و با مهره صیقل می دهند. برای این کار لازم است که قبل از افشاندن خرده های ورقه زر، سطح کاغذ مورد نظر آهار زده شود و در حال خیس بودن سطح کاغذ، ورقه زر افشانیده می شود. این است تفصیل شرح «لمیه» که از ابیات رساله جلدسازی از نظر مراحل زرافشانی دانسته و استنباط می شود.

در اینجا شاید خالی از فایده نباشد که به عنوان نمونه قابل استنباط از روش قدیم و تطبیق با آن، روش افشانگری سنتی ژاپن معرفی می شود تا برای دستیابی به جزئیات فن زرافشانی سده نهم ق به کار آید. زیرا این دو روش از نظر

اصول زرافشانی، از جمله آهار زدن روی کاغذ و افشاندن خرده های ورقه زر و نشان دادن آن بر روی کاغذ یکسان است.

#### روش سنتی ژاپن

مرسوم است که برای آهار از سریشم استفاده می کنند و برای به استوار نشان دادن و بهتر نمایان شدن رنگ ورقه زر کمی زاج اضافه می کنند و محلول سریشم و زاج را دو نوبت روی کاغذ می مالند. بعد از آهار زدن نوبت اول کاغذ را مدتی می گذارند تا کاملاً خشک شود. آنگاه نوبت دوم آهار می زنند و هنوز خشک نشده خرده های ورقه زر را می افشانند. استادان زرافشان دو نوبت آهار زدن را برای خوب نشستن خرده های ورقه زر روی کاغذ واجب می شناسند. پس از افشاندن خرده های ورقه زر، همچنانکه آهار هنوز نیم خشک و نیم خیس است، سطح کاغذی را که رویش خرده های ورقه زر نشسته است با یک کاغذ سفید می پوشانند و با دست فشار می دهند تا خرده های ورقه زر کاملاً روی کاغذ بنشینند. البته با این عمل به احتمال زیاد مقداری از خرده های زر به جای کاغذ مورد نظر روی کاغذ سفیدی که برای نشان دادن خرده زر به کار رفته است می چسبد و جاهایی از کاغذ متن از اثر زرافشانی خالی می ماند. در این وضع لازم است که روی جاهای عاری از اثر زرافشانی را با زهم آهار رقیق تر از نوبت پیش زده برای همانجا دوباره خرده های زر را بیفشانند و کاغذ خشک سفید روی آن بگذارند و فشار دهند، و تا زرافشانی کاملاً یکنواخت شود این عمل را تکرار کنند. ناگفته نماند که آنها برای افشاندن خرده های ورقه زر به جای پارچه از قطعه خیزران که یک طرفش را مانند غربال با تور فلزی پوشانده اند استفاده می کنند. این بود روش سنتی زرافشانی ژاپن که به احتمال در سده نهم ق در ایران نیز نظیر چنان مراحل طی می شد.

لازم به یادآوری است که در این روش، زرافشانی باید قبل از نوشتن خط انجام شود. یعنی روی کاغذهایی که خوشنویسی شده است این روش کار نمی شود، زیرا که هرگز روی خطوط آهار نمی زنند.

<sup>۳</sup> سید یوسف حسین، ص ۳۰-۳۱؛ مایل هروی، ص ۴۸۵-۴۸۶.

<sup>۴</sup> Yves Porter, *Painters, Paintings and Books: an Essay on Indo-Persian Technical Literature, 12-19<sup>th</sup> Centuries*. tr. S. Butani (New Delhi, Manohar, 1994), p. 50.

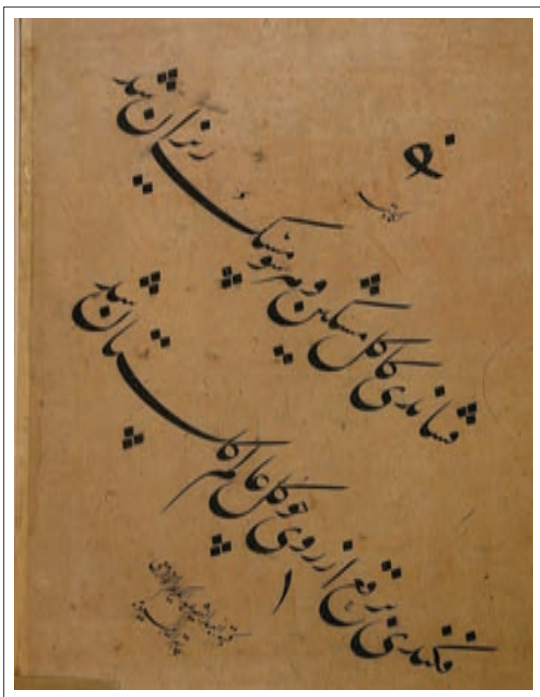
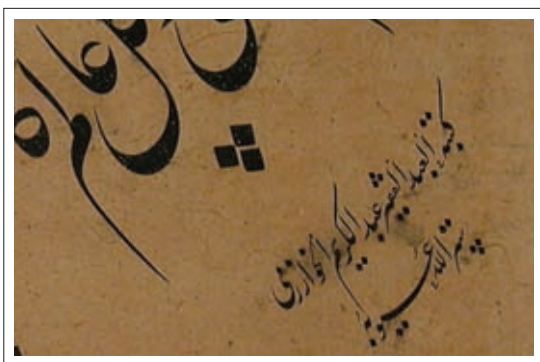
<sup>۵</sup> نگارنده این سطور، منظره این عمل را در زمستان ۱۳۶۹ در منزل شادروان محمدحسین عتیقی که یگانه استاد صحافی سنتی بودند در فیلم ویدئویی دیدم که در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران در کارگاه آن مرحوم تهیه و در ایران پخش شده بود.



ت ۱: نمونه زرافشانی با استفاده از ورقه زر. مرقع سلطان یعقوب؛ نستعلیق یک دانگ، یوسف علی سبزی مشهدی (استانبول: موزه تویقاپوسرای، مرقع ۲۱۵۳)، گ ۹ پ.

## ۲. زرافشانی با استفاده از محلول زر\*

اسلیمی در حاشیه قطعه خوشنویسی به رنگ‌های قرمز پررنگ و کم‌رنگ و آخری در ورقه ۶۵ خ ۲۱۶۰ به طرح زنجیری در حاشیه قطعه خوشنویسی به رنگ قهوه‌ای به جای جدول روی قالب مشبک مانند پاشیده شده است، اما دور هر اثر افشان‌رنگ قلمگیری نشده است که آن را صاحب رساله جلدسازی «بند تحریر» نامیده است.<sup>۸</sup> از آنجا که نمونه‌ای از افشان زر به وسیله عکاسی در دو مرقع سلطان یعقوب دیده نشده است، جستجوی نمونه‌های قدیم و مختلف افشان زر و رنگ عکس شده گره‌گشای رموز فنون گذشته خواهد بود.<sup>۹</sup>



ت ۲: نمونه زرافشانی با استفاده از محلول زر. مرقع سلطان یعقوب؛ نستعلیق پنج دانگ، عبدالکریم خوارزمی (استانبول، موزه توقاپوسرای، مرقع ۲۱۵۳). گ. ۱۵۸ ب.

این روش که صاحب رساله جلدسازی «پسته» خوانده است در ایران «افشان بیخته» نامیده می‌شد که سام میرزا مخترع آن را خواجه محمد مؤمن پسر عبدالله مروارید دانسته است<sup>۶</sup> و رکن الدین همایون فرخ به بکار بردن آب زر اشاره کرده است<sup>۷</sup>، یعنی طوری شناخته می‌شود که آب زر را با قلم مو و وسیله‌ای مانند الک ریز می‌پاشند و دانه‌های محلول زر را روی کاغذ می‌نشانند. در نتیجه در بعضی قطعات دیده می‌شود که قسمتی از محلول زر که روی کاغذ نشسته دنباله دارد و کشیده است، که نشان می‌دهد که از کدام طرف پاشیده شده است. در این روش چون محلول زر خود آبدار است، قبل از پاشیدن آب زر نیازی به خیس کردن سطح کاغذ به وسیله آهار نیست. بنابراین، این روش روی قطعات خوشنویسی شده نیز انجام می‌شود. شاید این روش اصولاً مختص به قطعات خوشنویسی شده بوده است که کاغذ آن بی‌آرایش بود و می‌خواستند برای چسباندن در اوراق مرقع تزئین کنند. البته افشاندن محلول زر، خواه قبل از انجام خوشنویسی و خواه بعد از آن، امکان‌پذیر است. اما قبل از خوشنویسی، محلول رقیق‌تر زر پاشیده می‌شد تا نوک قلم گرفته نشود. زیرا در بعضی آثار خوشنویسی مشاهده می‌شود که آب زر چنان غلیظ بوده که به صورت تکه طلا روی خط خشک و منجمد شده، در آنجا برآمدگی ایجاد کرده است. اما موضوع قابل توجه این است که این روشی که در قرن نهم ق در ایران متداول بود در خاور دور، در جاهایی مانند ژاپن و چین، دیده نمی‌شود. پیداست که این روش را می‌توان از فنون بدیع هنرمندان ایران در سده نهم شناخت.

از سوی دیگر، در این طریقه بیخته امکان دیگری نیز از کار در آورده‌اند و آن صنعت عکاسی است که روی الگویی دارای نقوش بریده شده، که سید یوسف به آن «مشبک مانند» گفته است، زرافشانی به عمل می‌آید. اما این صنعت عکاسی به وسیله آب زر در دو مرقع سلطان یعقوب یافت نشده است و فقط در قسمتی از سه اثر، یکی در ورقه ۹ ب مرقع خ ۲۱۵۳ به طرح اسلیمی در حاشیه قطعه کاغذبری از شعر امیر خسرو دهلوی، به رنگ صورتی تیره مایل به بنفش و دیگری در ورقه ۲۸ ب خ ۲۱۶۰ به طرح

<sup>۶</sup> سام میرزا صفوی، تذکره تحفه سامی، به تصحیح رکن الدین همایون فرخ (تهران: علمی، بی تا)، ص ۱۰۸.

<sup>۷</sup> همانجا، حاشیه ۴۴. <sup>۸</sup> سید یوسف حسین، ص ۳۱.

<sup>۹</sup> از گفته شمس الدین محمد وصفی، صاحب دیباچه مرقع شاه اسماعیل دوم، برمی‌آید که مولانا کبک عکاس هروی در این فن نه تنها نقوش بلکه خطوط را هم با رنگ‌های گوناگون عکاسی می‌کرد. نک: بوستان خط (تهران: مستوفی، بی تا)، ص ۱۲؛ قاضی احمد قمی، گلستان هنر، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری (تهران: کتابخانه منوچهری، ۱۳۵۹)، ص ۱۵۷-۱۵۸.

وارد ایران شده و از دوره تیموری رواج پیدا کرده است. عموماً تردیدی نیست.<sup>۱۰</sup> با این همه، مسلم است که با توجه به سه طریقه مزبور که شمّه‌ای از تفصیل آن گذشت، جز طریقه اول که با استفاده از خرده‌های ورقه زر انجام می‌یابد، طریقه دوم و سوم را که محلول زر به‌کار برده می‌شود باید از ابتکارات استادان کارگاه‌های ایران شمرد، زیرا که چنین روشی در آن زمان در هیچ جای دنیا دیده نمی‌شد. در این صورت باید به مسئله دیگری نیز توجه کرد. اصولاً برای شناسایی زمان آغاز فن زرافشانی در ایران به نسخه‌های خطی یا قطعات خوشنویسی زرافشانی شده مراجعه می‌کنند و از روی قدمت نسخه زرافشانی شده زمان زرافشانی را به‌طور تقریب تعیین می‌کنند. این اقدام در طریقه اول که خرده‌های زر افشاندن می‌شود و یا در طریقه سوم که محلول زر مالیده می‌شود بجا است، چون هر دو روش قبل از نوشتن خط کار می‌شود. در این مورد می‌توان گفت که زرافشانی پیش از تاریخ استنساخ نسخه انجام می‌شده است. اما در طریقه دوم که امکان پاشیده شدن محلول زر، چه قبل از نوشتن خط و چه بعد از آن موجود است احتیاط واجب است. در این نمونه باید دید که آیا دانه‌های محلول زر زیر خط قرار دارد یا روی خط؟ اگر زیر خط مشاهده می‌شود قبل از نسخه‌برداری پاشیده شده، و اگر روی خط افتاده است قطعاً می‌توان گفت که زرافشانی پس از نسخه‌برداری انجام شده است. در این وضع تعیین زمان زرافشانی بسیار دشوار خواهد بود. اکنون بی‌مناسبت نیست که درباره زرافشانی عباراتی چند از میان منابع مکتوب که توجه ما را جلب می‌کند در اینجا آورده شود.

دولت‌شاه سمرقندی درباره سیمی نیشابوری می‌گوید:  
 [...] و به شش قلم خط نوشتی و در علم کتابت و هنر شعر و علم معما در روزگار خود نظیر نداشت و رنگ آمیزی کاغذ و سیاهی ساختن و افشان و تذهیب حق او بوده [...]»<sup>۱۱</sup>  
 قاضی احمد قمی درباره سیمی نیشابوری مضمون این عبارت دولت‌شاه را برای گلستان هنر خود چنین اقتباس کرده است:  
 [...] و در رنگ آمیزی و سیاهی ساختن و افشان و تذهیب سرآمد روزگار بوده [...]»<sup>۱۲</sup>

### ۳. نوعی دیگر از زرافشانی با استفاده از محلول زر

در این روش هم از محلول زر استفاده می‌شود اما با طریقه دوم که به وسیله پاشیدن محلول زر انجام می‌شود متفاوت است. روی تعداد زیادی از قطعات یا صفحات خوشنویسی شده، دانه‌های بی‌نهایت ریز زر دیده می‌شود. از اینکه این‌گونه دانه‌های زر روی خطوط مشاهده نمی‌شود، روشن است که قبل از انجام خوشنویسی روی کاغذ نشانده شده است. این دانه‌های طلا به قدری ریز است که وجودش را تنها به وسیله بازتاب نور می‌توان دریافت و همچنین دانه‌های زر تقریباً هم اندازه است. از ریزی و هم اندازه بودن دانه‌های زر چنین به نظر می‌رسد که دانه‌های زر از خرده‌های ورقه زر نیست بلکه از آب طلا است، زیرا هرچه ورقه زر را خرد کنند به آن اندازه‌ای که دیده می‌شود ریز و یک اندازه نخواهد شد. به احتمال قوی این دانه‌های ریز جز با مالش ورقه زر بانوک انگشت به دست نخواهد آمد. پس این دانه‌های ریز به چه طریقی روی کاغذ نشانده شده است؟

همان طوری که توضیح داده شد طریقه اول و دوم به‌کار نرفته است، زیرا در طریقه اول نمی‌توان خرده‌های ورقه زر را به آن ریزی درآورد و در طریقه دوم نیز نمی‌توان محلول زر را به آن ریزی و یکنواختی پاشید. در واقع، درباره روش سوم توضیحی در منابع هنری به دست نیامده است که به چه طریقی انجام می‌دادند. بدین علت راقم این سطور برای شناختن این طریقه زرافشانی به آزمایش‌هایی دست زد و سرانجام متوجه شد که با مالیدن محلول بسیار رقیق زر با قلم مو به سطح کاغذ نتیجه‌ای نسبتاً دلخواه به دست می‌آید. احتمال می‌رود که در موقع آهار زدن، زر حل شده را با آهار مخلوط کرده باشند. اگر در آن زمان نظیر این‌گونه روش اتخاذ شده باشد، این روش به حل‌کاری نزدیک‌تر است تا زرافشانی. البته این حدسی بیش نیست و تنها می‌توان آن را یکی از امکانات فنی پنداشت. تا منابع کتبی به دست نیاید حقیقت این روش نیز آشکار نخواهد شد. نگارنده این سطور درباره شروع زرافشانی در ایران هیچ اطلاعی ندارد و این موضوع خارج از بحث این مقوله نیز هست. اما از اینکه فن زرافشانی از راهی از طرف چین

<sup>10</sup> P. Soucek, "Afsān", *Encyclopadia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed. by), (London, Boston, Melbourne and Henley, Routledge & Kegan Paul, 1984), p. 581.

<sup>11</sup> دولت‌شاه سمرقندی، تذکره الشعراء (تهران: کتابفروشی بارانی، بی‌تا)، ص ۴۶۴.

<sup>12</sup> قاضی احمد قمی، ص ۵۹.

از مضمون معرفی بالا برمی‌آید که فن افشان در زمان حیات سیمی نیشابوری رواج یافته بود. اما قاضی احمد در همین کتاب خود، مبتکر افشان را مولانا غیاث‌الدین محمد مذهب مشهدی (د: ۹۴۲ق)، معاصر سلطانعلی مشهدی دانسته است.<sup>۱۳</sup> چرا به سیمی نیشابوری که تقریباً یک قرن پیشتر از غیاث‌الدین محمد می‌زیست اعتنایی نکرده است؟ آیا به سبب بی‌توجهی قاضی احمد به مضمون تألیف خود دچار تناقض‌گویی در این مطالب شده یا از روی منظوری مطالبی را که ظاهراً با هم سازگار نیست ذکر کرده است؟ پاسخ این موضوع را به سهولت نمی‌توان یافت. مثلاً کلمه افشان یا افشانگری را به تنهایی نمی‌توان صد در صد به معنی زرافشانی گرفت، چون افشان معنی رنگ را نیز می‌رساند. از این گذشته، همان‌طوری که در این مختصر به طرق مختلف زرافشانی اشاره رفته است، احتمالاً در آن زمان هر یک از آنها را گونه‌ای مستقل از فنون زرافشانی می‌پنداشته‌اند. در این باره بعداً توضیح داده خواهد شد.

از سوی دیگر، می‌دانیم که در شرح مولانا محمدامین جدول‌کش در گلستان هنر قاضی احمد قمی چند اصطلاح زرافشانی به‌کار رفته است. این اصطلاحات در آنجا با این عبارت آمده است:

[...] در وصالی و افشانگری خواه‌لینه و خواه‌میان و خواه‌غبار و خواه‌حل کرده قرینه نداشت.<sup>۱۴</sup>

در اینکه آخرین اصطلاح «حل‌کرده» نشان‌دهنده استفاده از محلول زر است تردید نیست. اما مقصود از سه اصطلاح اول، لینه و میان و غبار چیست؟ آیا اندازه‌های مختلف خرده‌های ورقه زر یا محلول زر منظور است، یا طریقه افشاندن زر؟ نمی‌توان مقصود آنها را به دقت تعریف کرد. راقم این سطور در اینجا از لحاظ طریقه افشاندن زر به سنجش امکانات مفهوم سه کلمه مذکور می‌پردازد.

افشان غبار، که محمودبن محمد صاحب رساله قوانین خطوط ابداع آن را به خواجه عبدالله مروارید منسوب کرده است، احتمالاً به طریقه سوم اطلاق می‌شود. زیرا اگر محلول زر با قلم‌موری سطح کاغذ مالیده شود وضع دانه‌های بی‌نهایت ریز زر که روی کاغذ نشانده شده به دیده ما واقعاً همچون غبار می‌نماید.

کلمه «لمیه» را که سیدیوسف حسین آن را طریقه افشاندن ورقه زر گفته است ایو پورتر «لته / late» به معنی تکه‌ها خوانده و مرادف «لینه / line» شناخته است.<sup>۱۵</sup> اما نگارنده نمی‌داند تشخیص او در قرائت این لغت درست است یا نه. بیتی که اصطلاح «لمیه» در آن به‌کار رفته این است:

مگر این را بنام لمیه خوانند پس از خشکی به مهره می‌ستانند  
از این بیت مثنوی که بر وزن مفاعیلن مفاعیلن فعلون سروده شده است برمی‌آید که از نظر وزن شعر دشوار به نظر می‌آید که به جای لمیه، لته خوانده شود، اما لینه به جای لمیه موجب اختلال وزن نخواهد شد. البته همان‌طوری که استادان ایرانی ایرج افشار و نجیب مایل‌هروی متذکر شده‌اند که وزن تعداد زیادی از ابیات نادرست است<sup>۱۶</sup>، مسلماً سنجیدن صحت کلمات این مثنوی از نظر وزن شعر کاری بیهوده است. با این همه اگر کلمه لمیه که ایو پورتر آن را «لته» خوانده است منطبق با «لینه» باشد که در گلستان هنر آمده است، می‌توان هر چهار اصطلاح زرافشانی لینه، میان، غبار و حل کرده را رشته‌ای از فنون زرافشانی شمرد. بدین فرض، شایسته است که افشان لینه به طریقه اول، افشان غبار به طریقه سوم، و افشان حل کرده به طریقه دوم اطلاق شود. آنگاه افشان میانه از تقسیم‌بندی سه گانه بیرون می‌ماند، در حال حاضر نمی‌توان در نظر آورد که به چه طریقی افشانده می‌شد.

با توجه به نتایج مذکور، اینکه سام میرزا در طریقه دوم خواجه محمد مؤمن را مبتکر «افشان بیخته» شناخته، و محمودبن محمد ابداع «افشان غبار» را که شاید به طریقه سوم تطبیق داده می‌شود به پدر خواجه محمد مؤمن، خواجه عبدالله مروارید نسبت داده و قاضی احمد قمی غیاث‌الدین محمد مذهب مشهدی را مبدع افشان گفته، گواه آن است که اسم‌گذاری برای هر طریق متفاوت افشاندن زر رسم آن زمان بود و همچنین برای هر یک از آنها نام واضح آن را نیز، درست یا نادرست، از هنرمندان دارای نفوذ در نظر می‌گرفتند. به علاوه به نظر می‌رسد که اصطلاحات یاد شده در منابع هم در میان هنرمندان کارگاه‌های آن زمان مشترک نبوده و استادان صاحب‌نظر کلماتی ویژه خود به‌کار می‌برده‌اند. این سه نفر نیز که

<sup>۱۳</sup> همان، ص ۱۴۵.

<sup>۱۴</sup> همان، ص ۱۴۸.

<sup>۱۵</sup> Y. Porter, p. 50.

نگارنده این سطور نمی‌داند که کلمه «لینه» به چه صورتی خوانده می‌شود. اگر اصل این لغت برگرفته از عربی باشد «لینه» صفتی است از ریشه «ل ی ن»، و مؤنث لَیْنٌ یا لَیِّنٌ. در این صورت باید لَیْنَه یا لَیْنَه قرائت کرد.

<sup>۱۶</sup> سیدیوسف حسین، ص ۱؛ مایل‌هروی، ص ۷۶.

نیز شناسایی شود تا در پژوهش‌های بعدی در ریشه‌یابی فن زرافشانی به‌کار آید. آنگاه امید است که نمونه‌هایی تازه کشف شود که بیرون از طریق سه گانه مذکور باشد و جلوه‌هایی تازه از هنر کتاب‌آرایی ایران را باز نماید.

در خاتمه از راهنمایی و نصایح سودمند استاد ارجمند جناب آقای ایرج افشار برای فن زرافشانی، و از دانشمند ژاپن‌شناس گرامی آقای دکتر هاشم رجب‌زاده که در تصحیح این مختصر از هیچ‌گونه همکاری دریغ نمودند کمال امتنان را ابراز می‌نمایم.

مبتکر افشان معرفی شده‌اند همه زمان حیاتشان از اواخر قرن نهم تا اوائل قرن دهم هجری بوده است و نمی‌توان ابداع زرافشان را از آنها دانست چون تا به حال نسخه‌هایی زرافشانی شده قبل از زمان حیات و فعالیت آن سه هنرمند شناسایی شده است.<sup>17</sup>

در این مختصر که یاد شد فن افشان زر منظور نظر بود نه تاریخ شروع زرافشانی و پیگیری اصطلاحات زرافشانی. بدین علت، در بررسی فن زرافشانی به همین اندازه بسنده می‌شود.

در آخر شایسته است که برای ترتیب شناسنامه مشخصات نسخه‌های خطی زرافشانی شده، نوع زرافشانی

<sup>17</sup> Y. Porter, p. 50; P. Soucek, pp. 581-582.

**The Zarafshānī Technique in Two Albums by Solṭān Yaʿqūb:**  
A Relic of the Āq Qoyūnlū and the Qara Qoyūnlū Periods at Topkapı Sarayı Museum  
(no. 2153K & no. 2160K)

**Prof. Yoshifusa SEKI**

(Tokai University)

There are a number of decorated folios in two calligraphy albums at the library of the Topkapı Sarayı (no. 2153K and no. 2160K) that are known as Solṭān Yaʿqūb's Albums. Among the decorative techniques used on these folios is what is called zarafshān (gold spray) in Persian.

Based on a study of these folios, the author has divided and described the techniques of gold spraying into three different varieties. The author has also discussed the steps and functionalities associated with each of these styles and has evaluated the terminology that has been used in older sources with reference to this manner of decoration. The paper ends with a number of proposals to help identify and describe manuscripts and calligraphy pieces in which the gold spraying technique has been employed.



برگی از مرقع سلطان یعقوب: غزل از امیر شاهی، به خط عبدالکریم یعقوبی؛ قطعه‌ای از جامی، به خط سلطان علی مشهدی، کاغذبری از شیخ عبدالله امامی؛ غزل از امیر خسرو دهلوی، به خط عبدالرحیم یعقوبی؛ شعر از علیشیر نواشی، به خط غیب‌الله امامی (استانبول: موزه توپقاپوسرای، مرقع ۲۱۵۳)، ک ۱۱۴۳ الف. (با کسب اجازه از موزه توپقاپوسرای استانبول)